

تجمع بازنشستگان کارگری در تهران، رشت و شوش

بازنشستگان تامين اجتماعي روز يكشنبه (دوم آذرماه) در چند شهر از جمله تهران، شوش و رشت تجمع اعتراضي بر گزار کردند.به گزارش ايلنا، اين بازنشستگان که در تهران، مقابل سازمان تامين اجتماعي و در استان هاي ديگر مقابل ادارات محلي حاضر شده بودند، خواستار توجه به معيشت خود و بر خورداري از مستمری عادلانه و بالاتر از خط فقر شدند و اعلام کردند: سطح زندگي ما به شدت افول کرده است. در عين حال، بازنشستگان شهر کار گري شوش، خواستار تکميل ساخت و تجهيز یک بیمار ستان ملکی تامين اجتماعي در اين شهر شدند. آنها مي گويند: براي درمان رايجان بايد به هواز سفر کنيم که کار ي سخت و پرهزينه است.



■■■

تجمع نیروهای اورژانس در تهران

نیروهای اورژانس پيش بيمار ستاني تهران روز شنبه (اول آذر ماه) در اعتراض به شرايط سخت شغلي و دستمزد پايين، بي عدالتي و تاخير در پرداخت ها، عدم پرداخت کارانه، جايه جابي هاي اجباري و اجرائي نشدن تعرفه گذاري خدمات تجمع کردند. به گزارش ايلنا، نيروهاي اورژانس پيش بيمار ستاني سال هاست که به شرايط سخت شغلي، توزيع ناعادلانه در امدهاي اختصاصي و مزايای رفاهي و دستورالعمل هاي تبعيض آميز معترض هستند. اين کارکنان در ماني همچنين به نحوه اجرائي قانون تعرفه گذاري معترض هستند. به گفته آنها، تنها سه درصد در آمد حاصل از تعرفه پرستاران بيمارستان به پرستاران پيش بيمار ستاني اختصاص يافته که اين مبلغ بسيار ناچيز است. پرستاران اورژانس پيش بيمار ستاني تهران در شعار هاي خود به مشکلات معيشتي اشاره کرده و لحاظ شدن مزايای سختي کار را حق مسلم خود مي دانند.

■■■

کارگر ساختمانی کرمانشاهی در عراق جان باخت

کار گر کرمانشاهي که حدود دو هفته پيش بسر اثر حادثه برق گرفتگي در اقليم کردستان عراق به شدت زخمی شده بود، روز شنبه در بيمار ستاني جان باخت. به گزارش ايلنا، اين کار گر به نام «پور ياشيخ پور» که حدود دو هفته پيش حين انجام کار در اقليم کردستان عراق بر اثر برق گرفتگي دچار سوختگی ۸۵درصدي شده بود، روز شنبه (يکم آذر ماه) بعد از گذشت حدود دو هفته به دليل شدت جراحات وارده در بيمار ستاني در عراق جان باخت. مرحوم شيخ پور اهل اسلام آبادغرب در استان کرمانشاه بود که براي کار به اقليم کردستان مهاجرت کرده بود.

■■■

رئيس سازمان اداری و استخدامی:

حقوق بازنشستگان عادلانه تر می شود

معاون رئيس جمهور چهار هدف اصلي لايحه افزايش حقوق بازنشستگان را اعلام کرده. بر گزارش تسنيم، «علاءالدین رفيع زاده» رئيس سازمان اداری و استخدامی کشور نوشت: چهار هدف کليدي لايحه دولت به شرح زیر است: ۱- کاهش فاصله ميان حقوق کارکنان شاغل و دريافتي آنان در زمان بازنشستگي و نزديک تر کردن اين دو سطح در آمدی ۲- رفع نابرابري موجود ميان دريافتي بازنشستگان مشمول قانون کار و قانون مديريت خدمات کشوري ۳- تقوي يادباري و تساب اوری صندوق هاي بازنشستگي در بلندمدت ۴- کاهش نياز به تصويب قوانين حمايتی و مقطعي همسان سازي حقوق بازنشستگان.

■■■

تجمع بازنشستگان فولاد اصفهان در اعتراض به اداغام



جمعی از بازنشستگان صندوق بازنشستگي فولاد اصفهان، صبح روز يكشنبه (۲۲ آذر ماه) در اعتراض به انتقال صندوق فولاد به صندوق بازنشستگي کشوري و عدم اجرائي کامل همسان سازي حقوق، مقابل ساختمان استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش ايلنا، اين تجمع اعتراضی در انتقاد به غير قانوني بودن اداغام صندوق بازنشستگي فولاد در صندوق بازنشستگي کشوري و در عين حال تداوم مشکلات معيشتي ناشی از عدم اجرائي کامل همسان سازي و عدم رسيدگي به وضعيت درماني بازنشستگان بر گزار شده است.

■■■

اعتراض رئیس کمیسیون اصل ۹۰

به قطع بیمه تکمیلی بازنشستگان کارگری

رئيس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در نامه ای خطاب به مدير عام تامين اجتماعي، بر لزوم برقراري بیمه تکميلي کارگران بازنشسته در اسرع وقت تاکيد کرد. به گزارش ايلنا، در نامه پوزمان فر آمده است: «بیمه تکميل درمان کارگران بازنشسته به اتمام رسیده و به رغم جلسات فشرده و طولاني اعضاي کانون عالی و شرکت آتیه سازان حافظ، هنوز موضوع به نتيجه مطلوب نرسيده است. با عنايت به اينکه از ابتدای آذر ماه سال جاری بازنشستگان تامين اجتماعي فاقد بیمه تکميل در مان هستند و با توجه به اينکه اين موضوع موجب بروز مشکلات جدی در امر درمان مشمولان که به دليل کھولت مسکن بعضاً نياز فوری به درمان بيماري هايی از قبيل سرطان، ديابت و بيماري هاي قلبي دارن د و از طرفي افزايش شديد تعرفه هاي پزشکی، درمان بدون بهر مندی از بیمه مکمل ا تقریباً غير ممکن کرده، لذا نسبت به انتقاد فوری قرارداد جديد اقدام موثر صورت گيرد تا جامعه هدف از نگرانی خارج و از تبعات اجتماعي احتمالی موضوع جلوگيري شود».

نسرین هزاره مقدم

«حمایت از دهک های فرودست» و «دادن کالابرگ به فقرا و نیازمندان» کلبودازدهايی هستند که دولت با استناد به آنها و با تکیه بر آنچه در قانون بودجه سال جاری آمده و البته بر خي از نمايندگان مجلس بر اجرائي آن اصرار و ابرام فراوان دارند، اقدام به حذف يارانه نقدی مردم کرده است. داده های مربوط به حذف يارانه ها نشان می دهد دولت از بهمن سال گذشته تا امروز، در مجموع يارانه نقدی بیش از ۸ ميليون و ۸۸۳ نفر را حذف کرده است. اين حذف تنها بخشی از الزام قانون بودجه است و برای آنچه «حذف يارانه ۳ دهک بالا» ناميده می شود، دولت تا پايان سال يارانه نقدی بیش از ۱۸ ميليون نفر را قطع خواهد کرد، هر چند برخی بر آوردها نشان می دهد گروهی در مجلس و دولت انتظار دارند بر برای تحقق الزامات قانون بودجه، يارانه شهروندان تا مرز ۲۷ ميليون نفر قطع شود.

در اين ميان البته انتقاداتي به مکانيسم حذف يارانه نقدی خانوار ها وارد است. مثلاً يارانه خانواده سه نفره مزدبگير مستتاجری که ماهانه سر جمع ۴۵ ميليون تومان در آمد دارد و با کوچک ترين تلنگري ناشي از اخراج يا کسر حقوق، اين درآمد سقوط می کند، در محاسبات خشک و غير منعطف دولت قطع می شود يا فردی که گردش حسابش به دليل مناسبات کاری، نه در آمد شخصي، بالاست، مشمول قطع يارانه می شود. اما جدا از اين انتقادات، یک پرسش اساسی در سطحي فراتر قابل طرح است: منابع ناشی از حذف يارانه هاي نقدی مردم کجا هزینه می شود و اين پول کجا می رود؟

سر نوشت نامعلوم پول قطع يارانه ها

در روز های ابتدای آبان، «محمد باقری بناب» از نمايندگان مجلس، در نشست علنی مجلس، چند سوال مطرح کرد: «ما چه مالکي خانواده اي با ۳۰ ميليون در آمد از ريف در يافت کالابرگ حذف می شود؟ همچنين بايد شفاف اعلام شود منابع حاصل از حذف يارانه ها کجا هزینه شده و در کدام بخش تحول ايجاد شده است».

در حالي که عمده تمرکز افکار عمومي و رسانه ها بر ملاک های حذف يارانه است، از ابتدای سال منابع ريالي عظيمی از حذف يارانه بیش از ۸ ميليون نفر در شهروندان کشور آزاد شده که هيچ گزارش شفافي از ميزان و نحوه هزینه کرد اين منابع از سوی دولت منتشر نشده و آنچه در قانون بودجه آمده حذف يارانه با هدف دادن کالابرگ به

دهک های فرودست و حمايت از گروه هايی ست که با يارانه دايی از کالاهای اساسی و دارو، امکان

حیات را از دست داده اند.

با اين حال، تاکنون خبری به گوش نرسيده که خانواده فرودستي، اعتبار کالابرگ در يافتي شان بعد از قطع يارانه نقدی ثروتمندان افزايش يافته باشد، هيچ بيمار خاصی نديديم که از اين محل، داروی رايجان در يافت کرده باشد و هيچ سالمند

با چه مالکي خانواده اي با ۳۰ ميليون در آمد از ريف در يافت کالابرگ حذف می شود؟ همچنين بايد شفاف اعلام شود منابع حاصل از حذف يارانه ها کجا هزینه شده و در کدام بخش تحول ايجاد شده است

معلوم نیست منابع حاصل از قطع يارانه ها کجا هزینه می شود؟

ماهگیری دولت از آب گل آلود بودجه غیر شفاف



يا از کار افتاده اي نيست که تحت حمايت قرار گرفته باشد.

«فرشاد مومنی» اقتصاددان، در گفت و گویی تصويری به ليست مصارف منابع حاصل از قطع يارانه هاي نقدی مردم که در دستور کار سازمان هدمفندسازي يارانه ها قرار گرفته، اشاره کرده است. ليستی که توليدات فاخر در صنايع سماو

تقويت بنيه مالي چند نهاد خاص را در بر می گيرد. پاسخي به اين حرف ها: از سوی دولت داده نشده اما در مجموع مشخص است که حاضر نشده اند از اين منابع چند هزار ميلياردي (براساس برآوردها از ابتدای سال بیش از دهده هزار ميليارد تومان با قطع يارانه هاي نقدی مردم منابع به دست دولت آمده، کمی خرج مردم کنند؛ مشابه آنچه برای کارکنان بانک ها يا دستگاه هاي اداري وجود دارد. اما در يارانه های خاص برای بيمارانی مثل بيماران اسه ام ای يا بيماران پروانه اي خريداري و وارد کنندا بيمارانی که به خاطر کمبود دارو و و خامت حال، با پريشانی بسيار با ها تجمع کرده اند.

واضح بگویند که پول ها کجاست؟
«از جيب مردم عادی برداشت می شود ولی معلوم نيست کجا می رود؟»، «ما يار گيلاني نژاد» فعال کارگري با طرح اين مطلب، ماجرا را فراتر از چند ده هزار ميليارد تومان ناشی از قطع يارانه می داند و می گويد: از اول سال قبل یک درصد بر ماليات بر ارزش افزوده اضافه کردند که

حذف ۱۸ ميليون نفر از ليست يارانه بگيران و محروم شدن تمام مردم از يارانه های آب، برق، نان، شير، کره و دارو و درمان، با استدلال های خوش رنگ و لعاب انجام شده اما مشخص نيست اين صدها هزار ميليارد تومان کجا هزینه می شود

همسان سازي حقوق بازنشستگان را با آن سر و سامان بدهند که چيزی نصيب بازنشستگان به خصوص کارگران بازنشسته نشد. با فرض اينکه از ۹۰ ميليون ايراني روزانه فقط ۵ هزار تومان یک درصد ارزش افزوده مازاد کسر شود مبلغی حدود ۱۳ هزار ميليارد تومان در ماه به دست می آيد. اين رقم را به رقم دهها هزار ميليارد تومانی حذف يارانه هاي نقدی بيفزايد تا متوجه شويد چه پول بزرگی در سال جاری دست دولت آمده است.

اين فعال کارگري ادامه داد: حذف ۱۸ ميليون نفر از ليست يارانه بگيران و محروم شدن تمام مردم از يارانه های آب، برق، نان، شير، کره و دارو و درمان، با استدلال های خوش رنگ و لعاب انجام شده اما مشخص نيست اين صدها هزار ميليارد تومانی که با يارانه دايی در سال هاي اخير و به خصوص امسال فراهم آمده کجا هزینه می شود؟ سازمان هدمفندسازي يارانه ها» از زیر مجموعه های وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه که نقش کليدی در «مديريت منابع و مصارف يارانه اي» کشور دارد، واضح و شفاف به مردم پاسخ بدهند و بگويند که اين پول ها کجا رفته؟

قطع يارانه برای مستمري ۳۲ ميليونی!

در ساعات آخر تنظيم اين مطلب، یک بازنشسته در تماس با من از قطع يارانه نقدی خود در آبان ماه خبر داد. او که نمی دانست به کجا بايد شکايت ببرد و گفت: من حقوقم ۳۲ ميليون تومان است و یک خانواده سه نفره دارم، اما کلّی قسط و وام دارم و هم سرم هم مريض است و دارو مصرف می کند. نصف حقوقم اول ماه برای اينها می رود. چرا زندگي سخت ما را نمی بينند و يارانه نقدی مان را قطع کرده اند؟

اين بازنشسته نمی دانست بايد دست به دامن چه کسی شود و به کدام نهاد توضيح بدهد که «ثروتمند» نيست و به همان يارانه نقدی ناچيز نياز دارد اما سوال اصلي اين است که پول يارانه نقدی اين بازنشسته با همسر بيمار و نيازمند دارو و درمان يا صدها هزار خانواده مشابه، کجا هزینه می شود؟!



صدای بی صدای کارگران بی قدرت

اين فعال صنفی گفت: کارگران در ساختار حکمرانی هيچ نقشی ندارند و در شورای عالی کار هم دولت عملاً بدون نظر کارگران تصميم می گيرد. تا زمانی که کارگر نقش تعيين کننده نداشته باشد، نمی تواند دولت را به انجام تعهداتش ملزم کند. او در ارتباط با راه حل پيشنه اي توضيح داد: نمايندگان مجلس، به ويژه کميسيون اجتماعي بايد طرحی جامع برای مسکن کارگري ارائه کنند و برای آن در بودجه سالانه رديف اعتباري بگذارند. همچنين کميسيون های کارگري در استانداری ها بايد مشکلات معيشتي و مسکن کارگران را جمع بندي و به مجلس منتقل کنند اما عملاً چنين اتفاقي نمی افتد و به جای کار کارشناسی، جلسات و همايش های بی نتيجه بر گزار می شود.

زعيمی گفت: اکنون تورم لحظه اي است و قيمت لبنيات و مرغ هر هفته بالا می رود و هيچ کس پاسخگو نيست. در چنين شرايطی چگونه کارگري می تواند صاحب خانه شود؟ وی در جمع بندي سخنان خود گفت: معتقدم همه اين وعده ها در حد شعار است. اگر مجلس بخواهد، می تواند دولت را ملزم کند که برای کارگران مسکن بسازد، همان طور که برای نمايندگان خود، رديف اعتباري جهت مسکن پيش بينی کرد. دما متأسفانه اراده اي برای انجام اين کار وجود ندارد.

اقدام افزايش های ۴۰ تا ۷۰ درصدی را تجربه کرده اند. طبيعي است که افزايش ۲۰ درصدی حقوق در برابر چنين فشارهايی راهگشا نيست».

افزايش دستمزد در ايران: واکنشی سطحی به یک بيماری عميق

اين اقتصاددان در ادامه گفت: «افزايش دستمزد در اقتصادهاي تومری اگر با کنترل نقدینگی همراه نباشد، خود به تورم تبديل می شود. در ايران، نقدینگی سالانه معمولاً بیش از ۲۰ تا ۳۰ درصد افزايش پيدا می کند. وقتی نقدینگی چنين سرعتی دارد، سياست افزايش حقوق، تنها یک واکنش سطحی به یک بيماری عميق است. دليل هم واضح است؛ تا زمانی که حجم پول و پايه پولی کنترل نشووند، افزايش حقوق، بلافاصله در قيمت ها منعکس و خنثی می شود. بنابر اين اگر دولت قصد بهبود واقعی معيشت مردم را دارد، بايد به ريشه تورم پيردازد. مهم ترين عامل تورم در اقتصاد ايران کسری بودجه من من است. دولت به طور تاريخی با کسری های موجه بوده که گاهی تا ۵۰۰ هزار ميليارد تومان و بيشتر هم رسیده است. جبران اين کسری معمولاً از مسير هايی مانند استقراض از بانک ها، انتشار اوراق بدهی و برداشت از منابع پنهان انجام می شود که همگی اثر تومری دارند. در بسياری از کشور ها، هنگامی که کسری بودجه به حدود ۳۰ درصد توليد ناخالص داخلی برسد، آن از خطر ناک می دانند در ايران اما اين نسبت گاهی به ۶۸ تا درصد هم نزديک شده است.» وی افزود: «افزايش حقوق زمانی معنادار که دولت بتواند با سياست هاي مکمل، تورم را در محدوده های قابل پيش بينی نگه دارد، برای دستيابی به اين هدف، و محور اصلي بايد در کانون سياست گذاري اقتصادی قرار گيرد: کنترل تورم و ايجاد رشد اقتصادی پايدار. بدون رشد اقتصادی، پايه مالياتي افزايش نمی يابد، در آمدهاي پايدار شکل نمی گيرد و دولت ناچار است بخش بيشتری از هزینه ها را از طريق پولی سازی تأمين کند؛ مسيری که به صورت مستقيم تورم را ست. اصلاح ساختار بودجه مهم ترين گام در اين مسير است. بخش قابل توجهی از بودجه جاری به نهاد ها و سازمان هايی اختصاص دارد که نه تنها خروجی اقتصادی مشخصی ندارند، بلکه برخی از آنها در آمدهاي مستقل قابل توجه نيز دارند و نياز ي در يافت بودجه ندارند. حذف هزینه هاي غير ضروری، هدمفند کردن يارانه ها، جلوگيري از اتلاف منابع و جلوگيري از تخصيص بودجه های کم اثر، می تواند بخشی از کسری بودجه را بدون بازتورمی جبران کند».

قنبری: سر حقوق بگيران کلاه رفته است

مردم می خواهند قدرت خریدشان بالاتر برود نه عدد دستمزدشان



تورم بوده اند. طی دو دهه گذشته، ميانگين رشد سالانه دستمزد معمولاً بين ۱۵ تا ۲۵ درصد بوده، در حالی که ميانگين تورم رسمي اغلب در بازه ۳۰ تا ۴۵ درصد نوسان کرده. اين فاصله به ظاهر کوچک، از نظر علم اقتصاد تفاوت بنياديني ايجاد می کند: کاهش مستمر قدرت خريد واقعی، يعنی در آمد پولی بالا می رود اما در آمد واقعی که همان قدرت خريد است، کاهش پيدا می کند. در چنين وضعيتی انتظار اينکه مردم بتوانند هزینه هاي اساسی مانند اجاره، خوراک، در مان و حمل و نقل را بدون تغيير سطح رفاه مديريت کنند، واقع بينانه نيست. اما راهی رسمی همين را تا پيدا می کنند: مثلاً در بازار مسکن، رشد اجاره بها در سال های اخير گاهی به ۵۰ تا ۶۰ درصد رسیده و در بخش خوراک های، بر خي

تعيين حقوق کارگران و کارمندان دولت در ماه های پايانی هر سال، یکی از مهم ترين موضوعاتی است که برای قشر حقوق بگير به عنوان دغدغه اي معيشتی مورد توجه است. در روز های مهيار تورم در کشور فراموش شده، هماهنگی تورم و دستمزد ها به موضوعی مهم از ديد اغلب تحيلگران اقتصادی تبديل شده است.

در اين بين پرسش هايی در باره ميزان افزايش دستمزد سال آينده و همخوانی آن با شرايط معيشتی کارگران و کارمندان مطرح است. «علی قنبری» اقتصاددان و عضو هيأت علمی دانشگاه تربيت مدرس در گفت و گو با فرارو گفت: «هميشه سر حقوق بگيران در برابر رشد تورم، کلاه رفته است. در واقع هميشه تورم بالاتر از حقوق است. اين روز ها هم احتمال افزايش ۱۰ درصدی حقوق مطرح شده آن هم در شرايطی که نرخ تورم در بهترين حالت، با همين فرمان تا پايان سال يا اوایل سال آتی به بالای ۴۵ درصد می رسد. از منظر تحلیلی، اگر تورم ۴۵ درصد باشد و دستمزد تنها ۲۰ درصد رشد کند، قدرت خريد مردم حداقل ۲۵ درصد کاهش پيدا می کند. اين يعنی خرابولاب تر است. يارانه ها با یک سطح مشخص هزینه زندگی می کرد، اکنون برای همان سبب کالا بايد یک چهارم بيشتر از در آمدش هزینه کند. اين محاسبه ساده، نشان می دهد فشار معيشتی نه تنها کاهش نمی يابد، بلکه تشديد می شود. با اين تفاسير، چطور قرار است مردم از پس هزینه هاي زندگی خود بريايند. اگر دولت واقعاً می خواهد کاری برای مردم انجام دهد بايد روی کاهش تورم متمرکز شود. تا زمانی که تورم کشور به شکل لجام گسيخته رو به افزايش است، هر چقدر حقوق ها فزايش پيدا کنند، بی فايده است. در حال حاضر افزايش حقوق ها در برابر نرخ تورم واقعا ناچيز است. درست است که افزايش حقوق خواهی نخواهی روی تورم موثر است اما لازم است که با کمک بر نامه هاي اساسی پولی و مالی تورم کنترل شود تا فزايش حقوق ها منطقی تر شود».

وی افزود: «در اقتصاد ايران، حقوق بگيران تقريباً هميشه با زندگان رقابت ميان دستمزد